

شرح زندگانی من

تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه
جلد اول

عبدالله مستوفی



فهرست

مقدمه ۱

اسلاف من در سلطنت آقا محمدخان قاجار

لیاقت و صحت عمل موجب ترقی است / ۵ اسلاف آقا محمدخان قاجار / ۷ افکار
آقا محمدخان / ۸ تدارک مقدمات سلطنت / ۱۱ توجه آقا محمدخان به جانب
شیراز / ۱۴ عاقبت لطفعلی خان زند / ۱۸ آقا محمدخان همه کاره سلطنت خویش بود
/ ۱۹ میزبانی منحصر به نادر شاه نیست / ۲۲ اخلاق آقا محمدخان / ۲۳ کار این
کشور تباہ است! / ۲۳ شهر تهران / ۲۷ امیرنشین‌های حول و حوش / ۲۸ قتل آقا
محمدخان در شوشا / ۳۳ شاعری کتابخوان شاه / ۳۴

اسلاف من در سلطنت فتحعلی شاه

تأسیسات دوره قاجاریه / ۳۹ اولاد فتحعلی شاه / ۴۲ حیلہ شاهانه / ۴۴ اعطای
لقب / ۴۵ جهان‌گشایی فتحعلی شاه / ۴۵ دولت ایران در انتخاب والی بغداد و
سلیمانیه مداخله می‌کرده است / ۴۸ جنگ با گرجستان جنگ با روس بود / ۴۸
بذله‌گویی فتحعلی شاه / ۵۳ بناهای فتحعلی شاه / ۵۴ صدراعظم‌های فتحعلی شاه
/ ۵۶ دروغ‌های تاریخی / ۵۷ اسم قران از کجا آمده است / ۵۷ سیدالشهداء
سید بود اما اخوی نبود / ۵۸ درینغ از عباس میرزا / ۵۸ ولیعهدی محمد میرزا /
۵۸ اولاد میرزا اسماعیل مستوفی / ۵۹ پسر ارشد میرزا اسماعیل / ۶۰ مرگ
فتحعلی شاه / ۶۰

اسلاف من در سلطنت محمدشاه

سبب قتل قائم‌مقام / ۶۴ مؤسس دین بهایی / ۶۵ قائم‌مقام زنده‌کننده نثرنویسی
فارسی بوده است / ۶۶ استادان خط تحریر شاگردان قائم‌مقام‌اند / ۶۷ صدارت
حاجی میرزا آقاسی / ۶۷ باز هم محاصره بی‌نتیجه هرات / ۶۸ ناخوشی محمد شاه

فهرست

شرح زندگانی من در سلطنت سلطان احمد شاه

تعیین تکلیف شاه مخلوع / ۱۱۸۹ □ انتخابات / ۱۱۹۱ □ مرمت محل مجلس شورای ملی / ۱۱۹۲ □ احضار من به تهران / ۱۱۹۳ □ بعد از ورود به تهران / ۱۱۹۴ □ اوضاع وزارت خارجه / ۱۱۹۵ □ جوانها در وزارت امور خارجه / ۱۲۰۱ □ طرح اولین قانون تشکیلات و بودجه برای وزارت خارجه / ۱۲۰۲ □ هواخواهی از اشلتم / ۱۲۰۹ □ وزیر نامه‌رسان / ۱۲۱۴ □ سوءظن بی‌منطق / ۱۲۱۷ □ تشبثات مستبدین / ۱۲۱۹ □ کارهای خارج از اداره / ۱۲۲۳ □ معلمی در مدرسه سیاسی / ۱۲۲۴ □ شرکت فرهنگ / ۱۲۲۵ □ فوت عضدالملک نایب‌السلطنه / ۱۲۲۹ □ تشکیل رسمی احزاب سیاسی / ۱۲۲۹ □ تشکیلات جدید مالیه و نمایندگی برادرم آقا میرزا رضا در مجلس / ۱۲۳۵ □ لیدر جدید دمکراتها / ۱۲۴۱ □ الغای مالیات نمک / ۱۲۴۵ □ استخدام مستشاران خارجی / ۱۲۴۵ □ اولین نظامنامه برای اداره مرکزی وزارت مالیه / ۱۲۴۹ □ رویه من با هم‌قطارهای خانوادگی / ۱۲۵۱ □ تشکیلات قدیم و جدید مالیه / ۱۲۵۲ □ سیاق یا به قول متجددین درازنویسی / ۱۲۵۴ □ اولین ملاقات من با شوستر / ۱۲۶۱ □ حق نظارت امریکایی‌ها در مصارف پنج میلیون استقراض / ۱۲۶۳ □ بی‌منطقی لیدر دمکراتها / ۱۲۶۴ □ لایحه قانونی و اختیارات شوستر / ۱۲۶۸ □ ورود شوستر به کار / ۱۲۷۰ □ ورود من به خزانه‌داری کل / ۱۲۷۱ □ طرز کار کردن من با شوستر / ۱۲۷۲ □ اصلاح مالیات خالصه‌جات انتقالی / ۱۲۷۶ □ پرداخت وظایف / ۱۲۷۷ □ آمدن محمدعلی شاه به ایران / ۱۲۷۹ □ هجوم سه‌طرفه قوای محمدعلی شاه به جانب تهران / ۱۲۸۱ □ قوای آزادیخواهان / ۱۲۸۲ □ مقدمات برهم خوردن کار شوستر / ۱۲۸۷ □ اولتیماتوم روس به ایران / ۱۲۸۹ □ رفتن شوستر از ایران / ۱۲۹۱ □ خزانه‌داری کل مرناو و ورود بلژیکی‌ها در مالیه / ۱۲۹۲ □ صاحب‌اختیاری مرناو در نان تهران / ۱۲۹۸ □ برهم خوردن ادارات سبعة استیفایی و تأسیس اداره کل وظایف / ۱۳۰۰ □ بی‌رویگی بختیاری‌ها / ۱۳۰۲ □ مجلس / ۱۳۰۳ □ شاه و نایب‌السلطنه / ۱۳۰۴ □ وزارتخانه‌ها / ۱۳۰۷ □ به وقوع پیوستن

اسلاف من در سلطنت آقا محمدخان قاجار

لیاقت و صحت عمل موجب ترقی است

در سالهای آخر سده دوازده هجری قمری، در استرآباد (گرگان)، نزد یکی از خان‌های ملاک و متمول قاجار، میرزایی بود که در دستگاه خان سمت پیشکاری داشت. میرزا اگرچه جوان بود ولی به نظر چنین می‌رسید که تازه‌وارد نیست زیرا خان قجر نسبت به او اعتماد زیادی داشت و اختیار کلیه کارهای ملکی و احشامی و امور خانگی خود را به او سپرده بود، سهل است، گاه‌گاه که کارهای مهمی از قبیل بندوبست با پسرعموها و سایر رؤسای ایل پیش می‌آمد همیشه صلاح‌بینی‌های میرزا را پیروی می‌کرد و معلوم بود که میرزا با وجود جوانی، که در آن روزها متاع رایجی نبود، توانسته است اعتماد خان را از هر حیث به خود جلب نماید. امانت و دیانت و صحت عمل میرزا در نزد کس و کار و پسرعموهای خان و حتی سایر رؤسای ایل، شهرت بسزایی پیدا کرده بود و همگی در این پیشکار خان، به نظر تحسین می‌نگریستند.

چنان‌که وقتی آقا محمدخان قاجار برای بندوبست کار سلطنت از ظاهر شیراز چند روزه خود را به استرآباد رسانده و از ایل خود قول کمک به مرد و مال گرفته، ضمناً میرزایی برای پیشکاری خود خواسته بود، رؤسای ایل در صلاحیت این میرزا برای این کار تردیدی نکردند و معرفی‌اش نمودند. شک نیست که خان ارباب میرزا، از این پیشامد که موجب برهم خوردن نظم کارهای شخصی‌اش می‌شد خالی از دلتنگی نبود ولی چه می‌توانست کرد؟

در ایلّیت قولی داده است و باید از هیچ‌گونه فداکاری در راه «اخته‌خان»^۱ (آقا محمدخان را قجرهای استرآباد به این اسم می‌خوانده‌اند) کوتاهی نکند و صلاح عمومی ایل را بر صلاح خصوصی ترجیح دهد و حاجت خویش را در مقابل حاجت او فراموش نماید. در هر حال میرزا وارد خدمت آقا محمدخان شد. این میرزا، میرزا اسماعیل، جد من بود (۱۱۹۳).

میرزا اسماعیل پسر آقا گنجعلی و او پسر آقا قنبرعلی بوده است. پدر و جدش در قصبه گرکان از آب و ملک خود زندگی می‌کرده‌اند. از احوال این دو نفر اطلاعی در دست نیست ولی از اینکه آقا گنجعلی توانسته است به پسر خود تربیتی بدهد که در سن جوانی به مقام پیشکاری خان قجر برسد معلوم می‌شود که اینها، بخصوص پدر میرزا اسماعیل، دارای زندگانی اربابی بوده‌اند. مزرعه مّلی نزدیک گرکان ملک آقا گنجعلی و دایی میرزا اسماعیل هم صاحب خط و ربط و محاسب و شاید قسمتی از تربیت میرزا هم مرهون اقدامات میرزا دایی بوده است.

تاریخ ولادت میرزا اسماعیل معلوم نیست ولی مطابق رسم زمان که اشخاص خیلی جوان را به کاری نمی‌گماشته‌اند، می‌توان حدس زد که در این وقت کمتر از بیست سال نداشته است. موهای میرزا، خرمایی و چشمهای او کبود، و از جوانهای متدین به شمار می‌آمده است. از کتابهای کتابخانه خود که وقف اولاد کرده همچو برمی‌آید که از معلومات فقهی و حدیثی هم بی‌اطلاع نبوده است.

۱. ایلات در اسم‌گذاری خود خیلی ساده و بی‌پیرایه و رک و راست هستند. رؤسای ایل بختیاری با مقام شامخی که در دوره مشروطه پیدا کرده بودند باز هم نزد افراد و خان‌خرده‌ها به همان اسامی ساده‌ای که سابقاً با تخفیف و حذف القاب داشتند خوانده می‌شدند. مثلاً حاجی علیقلی خان سردار اسعد را حاجی علیقلی و نجفقلی خان صمصام‌السلطنه را آقا نجف و خسروخان سردار ظفر را خُرسو و نصیرخان سردار جنگ را نصیر و لطفعلی خان امیر مخم را آقا لطفعلی می‌خواندند. حتی همین آقایان رؤسا هم وقتی دور هم می‌نشستند و به لهجه خود با هم حرف می‌زدند اسم و لقب دیگری نداشتند و با همین تحریفات خوانده می‌شدند. اخته‌خان برای آقا محمدخان هم از همین قبیل اسم‌گذاری‌هاست که به مناسبت خصی بودن او که در طفولیت از راه دشمنی خانوادگی پیش آمده بوده است به این اسم یا لقب موسوم شده و بین افراد ایل جز این اسمی نداشته است.